

بررسی معماری پست مدرن و هویت مکان در مجتمع‌های مسکونی: مطالعه موردی شهرک اکباتان احمد رضا چگینی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۵/۰۳/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۵/۲۸

چکیده

این پژوهش به بررسی نقش رویکردهای معماری پست‌مدرن در شکل‌گیری و تقویت هویت مکانی می‌پردازد. در این رویکرد، مکان صرفاً یک ساختار کالبدی نیست، بلکه حاصل تعامل میان فضا، انسان، فرهنگ، تاریخ و زمینه اجتماعی است. پژوهش با بهره‌گیری از تحلیل تطبیقی نمونه‌های موردی، مؤلفه‌های کالبدی، معنایی و ادراکی مؤثر بر شکل‌گیری هویت مکان را بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که توجه به زمینه فرهنگی و تاریخی، استفاده از نشانه‌ها و نمادها، تنوع فرمی و ایجاد ارتباط با تجربه زیسته کاربران، موجب افزایش حس تعلق، خوانایی و معناپذیری فضا می‌شود. برخلاف معماری مدرن که بیشتر بر عملکرد، عقلانیت و اصول جهان‌شمول تأکید دارد، معماری پست‌مدرن با پذیرش تنوع فرهنگی و توجه به ویژگی‌های بستر، امکان شکل‌گیری هویتی پویا و متناسب با شرایط اجتماعی را فراهم می‌کند. همچنین مشارکت و تجربه کاربران در استفاده و درک فضا، نقش مهمی در تداوم و بازتعریف هویت مکان دارد. در این راستا، معماری می‌تواند با ایجاد پیوند میان گذشته و حال و بهره‌گیری از عناصر فرهنگی و تاریخی، فضاهایی خاطره‌انگیز و معنادار ایجاد کند. در نهایت، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد پست‌مدرن با تأکید بر رابطه متقابل انسان و محیط، ظرفیت بالایی برای تقویت حس تعلق و هویت مکانی و پاسخ‌گویی هم‌زمان به نیازهای عملکردی، اجتماعی و معنایی محیط‌های معاصر دارد.

کلمات کلیدی: معماری پست مدرن، هویت مکان، مجتمع مسکونی، شهرک اکباتان

۱. کارشناسی ارشد معماری، گروه عمران و معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه رجا، قزوین، ایران

۱. مقدمه

هویت از دیرباز یکی از مفاهیم بنیادین و چالش‌برانگیز در حوزه‌های مختلف فلسفه، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم انسانی بوده است. مفهوم «کیستی» و «چیستی» انسان از قدیمی‌ترین مباحث فلسفی به شمار می‌رود و اندیشمندان همواره تلاش کرده‌اند ابعاد و عوامل شکل‌دهنده آن را تبیین کنند. در نگرش‌های سنتی، هویت غالباً پدیده‌ای نسبتاً ثابت و از پیش تعیین‌شده تلقی می‌شد، اما در دیدگاه‌های معاصر، هویت مفهومی پویا، چندلایه، پیچیده و متأثر از شرایط اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و محیطی در نظر گرفته می‌شود. از این منظر، هویت نه یک ویژگی ایستا، بلکه فرایندی مستمر است که در تعامل میان فرد، جامعه و محیط شکل گرفته و در طول زمان دستخوش تغییر و بازتعریف می‌شود. همین تحول مفهومی موجب شده است که موضوع هویت همچنان یکی از مسائل مهم و چالش‌برانگیز در حوزه‌های مختلف نظری و کاربردی باشد (گل محمدی، ۱۳۸۱). با ورود مفهوم هویت به حوزه معماری و شهرسازی، ارتباط میان انسان و محیط ساخته‌شده اهمیت بیشتری پیدا کرد. ظهور مفهوم هویت در معماری، به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم و در دهه ۱۹۵۰ میلادی، در پی افزایش انتقادات نسبت به معماری مدرن و پیامدهای رویکردهای یکسان‌ساز آن شکل گرفت.

معماری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نمودهای فرهنگ، تنها به تأمین نیازهای عملکردی انسان محدود نمی‌شود، بلکه بازتابی از ارزش‌ها، باورها، خاطرات، شیوه زندگی و آرمان‌های فرهنگی جامعه است. به بیان دیگر، آنچه انسان در محیط می‌سازد، از یک بنای مسکونی گرفته تا ساختار یک شهر، می‌تواند بازتابی از ایده‌ها، ارزش‌ها و ویژگی‌های فرهنگی جامعه باشد. از این رو، معماری و محیط ساخته‌شده می‌توانند در شکل‌گیری احساس تعلق، خاطره جمعی و برداشت افراد از هویت خود و جامعه نقش مهمی ایفا کنند (Simon, ۲۰۰۷; Kulić et al., ۲۰۱۴). در این میان، مفهوم «هویت مکان» جایگاه ویژه‌ای در مطالعات معماری و شهرسازی پیدا کرده است. مکان برخلاف فضا، صرفاً یک محدوده کالبدی و فیزیکی نیست، بلکه از طریق حضور و تجربه انسان، معنا و هویت پیدا می‌کند. ظاهر فیزیکی مکان، فعالیت‌های جاری در آن و معانی و ارزش‌هایی که افراد به آن نسبت می‌دهند، از جمله عناصر اساسی شکل‌دهنده هویت مکان به شمار می‌روند. در واقع، حس مکان به‌عنوان یکی از ابعاد مهم هویت مکانی، در هیچ‌یک از این عناصر به‌تنهایی وجود ندارد، بلکه در نتیجه ارتباط متقابل انسان با محیط و تعامل میان ویژگی‌های کالبدی، فعالیت‌ها و معانی شکل می‌گیرد. بنابراین، هویت مکان را می‌توان حاصل فرایندی تعاملی دانست که در آن ویژگی‌های فیزیکی محیط با ادراک، احساس، خاطرات و تجربه زیسته کاربران پیوند می‌خورد.

اهمیت این موضوع در شهرهای معاصر، به دلیل گسترش سریع شهرنشینی، تغییرات کالبدی و اجتماعی و افزایش فضاهای مشابه و فاقد ویژگی‌های بومی، دوچندان شده است. یکی از مسائل مهم شهرهای امروزی، بحران هویت و کاهش کیفیت محیط زندگی شهروندان است. این بحران را می‌توان تا حد زیادی ناشی از شکل‌گیری فضاهایی دانست که اگرچه ممکن است از نظر عملکردی پاسخ‌گوی نیازهای اولیه باشند، اما فاقد معنا، خاطره، تعلق و ارتباط عمیق با کاربران خود هستند. مکان زمانی به معنای واقعی شکل می‌گیرد که بتواند انسان را با ابعاد مختلف وجود فردی و اجتماعی خویش مرتبط سازد و زمینه‌ای برای شناخت محیط و درک خویشتن فراهم آورد. تعامل انسان با محیط، موجب شکل‌گیری ادراک‌ها، احساسات، خاطرات و تصاویر ذهنی متفاوت از مکان می‌شود و این تصاویر و معانی ذهنی در نهایت به شکل‌گیری هویت مکان کمک می‌کنند (Relph, ۱۹۷۶; Canter, ۱۹۷۷).

از این منظر، فقدان توجه به مؤلفه‌های معنایی و فرهنگی در طراحی محیط می‌تواند به تضعیف حس تعلق و افزایش بی‌هویتی فضاهای شهری منجر شود. در چنین شرایطی، بررسی رویکردهای معماری پست‌مدرن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پست‌مدرنیسم ابتدا در حوزه معماری، به‌ویژه از دهه ۱۹۶۰ میلادی، مورد توجه قرار گرفت و سپس دامنه آن به سایر حوزه‌های هنری و فرهنگی گسترش یافت. این جریان در واکنش به محدودیت‌ها و کاستی‌های معماری مدرن شکل گرفت و نسبت به تأکید بیش از حد مدرنیسم بر عقلانیت، عملکرد، سادگی، جهان‌شمولی و نادیده گرفتن جنبه‌های احساسی و فرهنگی محیط انتقاد کرد (Jencks, ۱۹۶۶; Venturi, ۱۹۷۷). پست‌مدرنیسم را نمی‌توان یک مکتب فکری کاملاً یکپارچه با اصول و اهداف مشخص دانست؛ بلکه مجموعه‌ای متنوع از نگرش‌ها و رویکردهایی است که در نقد مدرنیسم شکل گرفته‌اند و از مفاهیمی همچون چندپارگی، خودارجاعی، تقلید، لودگی، مونتاژ و اختلاط اشکال بهره می‌گیرند (بهادری فرد، ۱۴۰۳). از این رو، پست‌مدرنیسم بیش از آنکه یک سبک منسجم و دارای دستورالعمل ثابت باشد، نوعی نگرش انتقادی و کثرت‌گرا نسبت به اصول معماری مدرن محسوب می‌شود. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های معماری پست‌مدرن، توجه به زمینه و پذیرش کثرت فرهنگی و معنایی است. این رویکرد با فاصله گرفتن از سلطه روایت‌های کلان و اصول جهان‌شمول، به خرده‌روایت‌ها، تفاوت‌ها، نشانه‌های فرهنگی و ویژگی‌های خاص هر بستر توجه می‌کند.

به همین دلیل، معماری پست مدرن امکان استفاده از عناصر تاریخی، بومی، نمادین و فرهنگی را در کنار عناصر معاصر فراهم می‌سازد و از طریق تلفیق و بازتفسیر آن‌ها، زمینه ایجاد ارتباط میان گذشته و حال را فراهم می‌کند. در این معنا، معماری پست مدرن می‌تواند به جای ارائه یک زبان معماری یکسان و فراگیر، به ویژگی‌های منحصر به فرد هر مکان و جامعه توجه کرده و زمینه شکل‌گیری معناهای متنوع و متناسب با بستر را فراهم آورد.

فرهنگ معماری پست مدرن از طریق تلفیق عناصر متفاوت و گاه متضاد، امکان شکل‌گیری زبان‌های معماری متنوع و چندمعنایی را فراهم می‌کند. همسویی و تلفیق هنر رسمی و عامه‌پسند، استفاده از ارجاعات تاریخی، ترکیب عناصر سنتی و مدرن و بهره‌گیری از نشانه‌ها و نمادهای آشنا، از جمله ویژگی‌هایی هستند که می‌توانند ارتباط مخاطب با محیط را تقویت کنند. چنین رویکردی می‌تواند معماری را از یک شیء صرفاً کالبدی به رسانه‌ای برای انتقال معنا، فرهنگ و خاطره تبدیل کند. در نتیجه، کاربر نه تنها با فرم و عملکرد بنا، بلکه با نشانه‌ها، خاطرات و معانی نهفته در آن ارتباط برقرار می‌کند و از طریق این تجربه، در فرایند شکل‌گیری هویت مکان مشارکت دارد. از این منظر، رابطه میان معماری پست مدرن و هویت مکانی را نمی‌توان صرفاً بر اساس ویژگی‌های ظاهری و فرمی بناها بررسی کرد. هویت مکان حاصل تعامل میان مؤلفه‌های کالبدی، فعالیت‌های انسانی، معانی فرهنگی و نحوه ادراک کاربران است. بنابراین، معماری هنگامی می‌تواند در تقویت هویت مکانی مؤثر باشد که علاوه بر پاسخ‌گویی به نیازهای عملکردی، به زمینه تاریخی، فرهنگی و اجتماعی مکان نیز توجه داشته باشد. استفاده از عناصر آشنا، نشانه‌های فرهنگی و تاریخی و ایجاد پیوند میان محیط و تجربه زیسته افراد می‌تواند به افزایش خوانایی، خاطره‌انگیزی و حس تعلق نسبت به مکان منجر شود (بهادری فرد، ۱۴۰۳). با توجه به اهمیت هویت مکان در ارتقای کیفیت محیط‌های معماری و شهری و همچنین ظرفیت معماری پست مدرن در توجه به کثرت فرهنگی، زمینه‌گرایی، معنا و تجربه انسانی، بررسی رابطه میان این دو حوزه ضروری به نظر می‌رسد. مسئله اصلی این پژوهش آن است که رویکردها و مؤلفه‌های معماری پست مدرن چگونه می‌توانند در شکل‌گیری، تقویت و بازتعریف هویت مکان مؤثر باشند و چه عواملی در این فرایند نقش اساسی دارند. بر این اساس، پژوهش حاضر با تمرکز بر مؤلفه‌های کالبدی، معنایی و ادراکی و با توجه به تجربه زیسته کاربران، تلاش دارد نقش رویکردهای معماری پست مدرن را در ایجاد فضاهای معنادار و هویت‌مند بررسی کند و از این طریق، ارتباط میان معماری، فرهنگ، انسان و مکان را مورد تحلیل قرار دهد.

۲. اهداف پژوهش

- بررسی نقش ویژگی‌های معماری پست مدرن در شکل‌گیری و تقویت هویت مکان در شهرک اکباتان و همچنین اهداف فرعی به شرح ذیل می‌باشد:
- شناسایی ویژگی‌های معماری پست مدرن در شهرک اکباتان.
- شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر هویت مکان در مجتمع‌های مسکونی.
- بررسی تأثیر ویژگی‌های کالبدی و فضایی بر هویت مکانی.
- بررسی نقش تجربه، ادراک و حس تعلق ساکنان در شکل‌گیری هویت مکان.
- ارائه راهکارهایی برای تقویت هویت مکانی در مجتمع‌های مسکونی.

۳. ضرورت پژوهش

امروزه رشد سریع شهرنشینی، افزایش جمعیت و گسترش مجتمع‌های مسکونی، اهمیت توجه به کیفیت محیط و هویت مکان را بیش از گذشته مطرح کرده است. بسیاری از مجتمع‌های مسکونی معاصر، به دلیل تأکید بر مسائل اقتصادی، عملکردی و استفاده بهینه از زمین، در مواردی از ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و ادراکی محیط فاصله گرفته‌اند. پیامد این وضعیت می‌تواند شکل‌گیری فضاهایی یکنواخت و فاقد معنا باشد که ارتباط عاطفی و ذهنی ساکنان با محیط را کاهش داده و در نهایت به تضعیف حس تعلق و هویت مکانی منجر شود. از این رو، توجه به عواملی که می‌توانند میان انسان و محیط ساخته‌شده ارتباطی معنادار ایجاد کنند، یکی از موضوعات مهم در مطالعات معماری و شهرسازی معاصر به شمار می‌رود. در این میان، معماری پست مدرن با تأکید بر تنوع، زمینه‌گرایی، نشانه‌ها و نمادهای فرهنگی، ارجاعات تاریخی و توجه به تجربه و ادراک انسان، ظرفیت مناسبی برای ایجاد فضاهای معنادار و هویت‌مند دارد. این رویکرد برخلاف نگاه صرفاً عملکردگرایانه، تلاش می‌کند میان ویژگی‌های کالبدی فضا و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه ارتباط برقرار کند. بنابراین، بررسی ارتباط میان مؤلفه‌های معماری پست مدرن و هویت مکان می‌تواند به درک بهتر چگونگی شکل‌گیری حس تعلق، خاطره‌انگیزی و معنا در محیط‌های مسکونی کمک کند.

شهرک اکباتان به عنوان یکی از مجموعه‌های بزرگ و شاخص مسکونی تهران، به دلیل برخورداری از سازمان‌دهی فضایی، فضاهای باز و عمومی، مقیاس متفاوت بناها و شکل خاص ارتباط میان ساختمان‌ها و محیط پیرامون، نمونه‌ای مناسب برای مطالعه این موضوع است. بررسی این مجموعه از منظر هویت مکان می‌تواند نشان دهد که ویژگی‌های کالبدی و فضایی آن تا چه اندازه در ایجاد احساس تعلق و شکل‌گیری تصویر ذهنی و خاطره جمعی ساکنان مؤثر بوده‌اند. همچنین بررسی تجربه زیسته ساکنان می‌تواند ابعاد ادراکی و معنایی هویت مکان را در کنار ویژگی‌های کالبدی مورد توجه قرار دهد.

ضرورت انجام این پژوهش از آن جهت است که شناخت رابطه میان معماری، تجربه انسانی و هویت مکان می‌تواند در بهبود کیفیت فضاهای مسکونی و ایجاد محیط‌هایی متناسب با نیازهای اجتماعی و فرهنگی کاربران مؤثر باشد. نتایج پژوهش همچنین می‌تواند ضمن افزایش شناخت نسبت به ویژگی‌های هویت‌ساز شهرک اکباتان، مبنایی برای بازآفرینی و طراحی مجتمع‌های مسکونی آینده فراهم کند؛ به گونه‌ای که این فضاها علاوه بر پاسخ‌گویی به نیازهای عملکردی، بتوانند حس تعلق، تعامل اجتماعی، خاطره‌انگیزی و ارتباط عمیق‌تری میان ساکنان و محیط ایجاد کنند.

۴. پیشینه پژوهش

با توجه به عنوان پژوهش حاضر، پیشینه مطالعات در دو محور اصلی بررسی می‌شود. محور نخست، پژوهش‌های مرتبط با معماری پست‌مدرن و ویژگی‌های کالبدی، معنایی و زمینه‌گرایی آن است و محور دوم، مطالعات مرتبط با هویت مکان، حس تعلق، تجربه زیسته و کیفیت محیط در مجتمع‌های مسکونی است. همچنین با توجه به مطالعه موردی پژوهش، مطالعات انجام‌شده در این حوزه را در پژوهش‌های داخلی و خارجی مورد توجه قرار گرفته است.

بهادری‌فرد (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «تحلیل و ارزیابی سبک معماری پست‌مدرن در جهان و تأثیر آن بر روند معماری ایران» به بررسی ویژگی‌ها و مؤلفه‌های معماری پست‌مدرن پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که معماری پست‌مدرن در واکنش به اصول و رویکردهای معماری مدرن شکل گرفته و ویژگی‌هایی همچون چندپارگی، بینامتنیت، تقلید، مونتاژ، اختلاط اشکال و استفاده از نشانه‌ها را در خود جای داده است. این رویکرد با فاصله گرفتن از یکسان‌سازی و جهان‌شمولی معماری مدرن، زمینه توجه بیشتر به تنوع فرهنگی و ویژگی‌های بستر را فراهم می‌کند. یافته‌های این پژوهش از نظر تبیین مؤلفه‌های معماری پست‌مدرن، مبنای نظری مناسبی برای پژوهش حاضر فراهم می‌سازد.

اسدی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «نقش کیفیت محیطی در تداوم سکونت و زندگی در مجتمع‌های زیستی شهر اراک» به بررسی عوامل مؤثر بر رضایت و تداوم سکونت در مجتمع‌های مسکونی پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عواملی مانند آرامش، امنیت، دسترسی مناسب، مدیریت مطلوب و شرایط اقتصادی در تصمیم ساکنان برای ادامه سکونت نقش مهمی دارند. این مطالعه نشان می‌دهد که کیفیت محیط مسکونی تنها به ویژگی‌های کالبدی ساختمان محدود نمی‌شود، بلکه عوامل اجتماعی و ادراکی نیز در تجربه ساکنان از محیط مؤثر هستند. این موضوع با پژوهش حاضر، که به بررسی ارتباط میان ویژگی‌های محیط مسکونی و هویت مکان در شهرک اکباتان می‌پردازد، ارتباط دارد.

عشریه و حاتمیان (۱۳۹۹) در پژوهشی با موضوع «بررسی جایگاه و نقش مدرنیسم و پست مدرنیسم در معماری و شهرسازی» ویژگی‌های متفاوت این دو رویکرد را بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که البته بسیاری، این نگرش جدید را اصلاح شده نگاه قبلی یعنی مدرن می‌دانند که با ایده‌هایی جدید دوباره مسیر خود را ادامه داده، هرچند عده‌ای هم بر مجزا بودن این دو نگاه با هم اصرار دارند. به هر روی آنچه مسلم است این دو نگاه با یکدیگر تشابهات و تضادهایی دارند. مدرنیته نو شدگی، نوآندیشی و فرآیندی است کنه در آن طرز نگاه انسان به جهان و به خود متحول می‌شود. جرات دانستن و فهمیدن یا نوعی احساس اصیل وجودی به او دست می‌دهد و به این نتیجه می‌رسد که باید مجدداً درباره جهان و انسان، مستقل از باورهای پیشین بیندیشد و دست به تجربه‌ها و آزمون‌های تازه بزند و یا نسبت وجودی تازه‌ای با هستی برقرار کند. فتح باب این روند در ایران، در عصر ناصرالدین شاه قاجار بود که بیشتر در مورد نگاه مدرن میان اندیشمندان تبادل نظر شد و عصر پهلوی اول که مدرنیسم به مرحله عمل رسید. در این پژوهش سعی بر آن است تا با انجام مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی به بررسی جایگاه مدرنیسم و پست مدرنیسم در معماری و شهرسازی پرداخته شود تا نقاط مثبت و منفی آن آشکار شود.

عناصر تاریخی، عناصر فرهنگی و تنوع فرمی دارد. با این حال، استفاده سطحی و صرفاً تزئینی از عناصر تاریخی و بومی نمی‌تواند به‌تنهایی موجب شکل‌گیری هویت مکان شود و لازم است این عناصر با زمینه اجتماعی و فرهنگی محیط ارتباط داشته باشند. در ارتباط با شهرک اکباتان نیز پژوهش‌هایی انجام شده است که از جنبه‌های مختلف به کیفیت محیط، ویژگی‌های فضایی و هویت اجتماعی و فرهنگی این مجموعه پرداخته‌اند.

سجادزاده و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای درباره چارچوب و اصول معماری پایدار در شهرک‌های مسکونی، شهرک اکباتان تهران را به‌عنوان نمونه مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که ویژگی‌های سازمان فضایی، نحوه استقرار ساختمان‌ها و ارتباط میان فضاهای ساخته‌شده و باز، نقش مهمی در کیفیت محیطی مجموعه‌های مسکونی دارند.

همچنین مطالعات انجام‌شده درباره کیفیت محیط مسکونی شهرک اکباتان نشان می‌دهد که مؤلفه‌هایی مانند تعلق مکانی، امنیت، دسترسی، حریم، سلسله‌مراتب فضایی و کیفیت فضاهای جمعی در شکل‌گیری تجربه ساکنان از محیط نقش دارند. این یافته‌ها اهمیت بررسی هم‌زمان ابعاد کالبدی و ادراکی شهرک اکباتان را نشان می‌دهد و می‌تواند در تحلیل رابطه میان معماری و هویت مکان در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گیرد. در مطالعات خارجی نیز مفهوم هویت مکان و ارتباط آن با تجربه انسانی و محیط ساخته‌شده مورد توجه بسیاری از نظریه‌پردازان قرار گرفته است. در این مطالعات، مکان مفهومی فراتر از یک فضای فیزیکی در نظر گرفته شده و هویت آن حاصل تعامل میان ویژگی‌های کالبدی، فعالیت‌های انسانی، خاطرات، ادراک و معانی فرهنگی دانسته می‌شود. بر این اساس، کیفیت معماری زمانی می‌تواند به ایجاد هویت مکانی منجر شود که میان ویژگی‌های فیزیکی محیط و تجربه زیسته کاربران ارتباط برقرار شود. در حوزه معماری پست‌مدرن نیز مطالعات مختلف بر اهمیت زمینه، نشانه، نماد، خاطره و تنوع فرهنگی تأکید دارند. معماری پست‌مدرن با فاصله گرفتن از اصول جهان‌شمول معماری مدرن، امکان استفاده از عناصر تاریخی و فرهنگی و تفسیر مجدد آن‌ها را فراهم می‌کند. از این منظر، استفاده از عناصر آشنا و معنادار می‌تواند به افزایش خوانایی محیط و ایجاد ارتباط ذهنی میان کاربران و مکان کمک کند. با این حال، مطالعات نشان می‌دهند که صرف استفاده از فرم‌ها و نشانه‌های تاریخی برای ایجاد هویت مکانی کافی نیست و این عناصر باید با فرهنگ، فعالیت‌های اجتماعی و تجربه واقعی کاربران ارتباط داشته باشند. مرور مطالعات داخلی و خارجی نشان می‌دهد که پژوهش‌های متعددی به‌صورت جداگانه به موضوعاتی همچون معماری پست‌مدرن، هویت مکان، حس تعلق، کیفیت محیطی و مجتمع‌های مسکونی پرداخته‌اند. همچنین شهرک اکباتان در برخی پژوهش‌ها از منظر کیفیت محیطی، معماری، پایداری و ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است. با این حال، بخش قابل توجهی از مطالعات پیشین، معماری پست‌مدرن و هویت مکان را به‌صورت جداگانه بررسی کرده‌اند و ارتباط مستقیم میان ویژگی‌های معماری پست‌مدرن و شکل‌گیری هویت مکان در یک مجتمع مسکونی مشخص، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، خلأ اصلی پژوهش حاضر، بررسی هم‌زمان ویژگی‌های معماری پست‌مدرن، مؤلفه‌های کالبدی و معنایی مکان و تجربه و ادراک ساکنان در شکل‌گیری هویت مکانی است. شهرک اکباتان به دلیل برخورداری از ساختار فضایی منحصربه‌فرد، فضاهای باز و جمعی، سابقه سکونت طولانی و ویژگی‌های خاص معماری و شهرسازی، زمینه مناسبی برای بررسی این ارتباط فراهم می‌کند. پژوهش حاضر تلاش دارد با تمرکز بر شهرک اکباتان، نقش ویژگی‌های معماری و فضایی در ایجاد حس تعلق، خوانایی، خاطره‌انگیزی و هویت مکان را بررسی کرده و از این طریق، ارتباط میان معماری پست‌مدرن و هویت مکانی در مجتمع‌های مسکونی را تبیین کند.

۴-۱. مفهوم هویت

هویت یکی از مفاهیم بنیادی و چندبعدی در حوزه‌های فلسفه، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و علوم محیطی است. هویت در معنای عام، به ادراک فرد یا گروه از «کیستی» و ویژگی‌هایی اشاره دارد که موجب تمایز آن‌ها از دیگران می‌شود. این مفهوم صرفاً به ویژگی‌های فردی محدود نیست، بلکه در ارتباط با محیط اجتماعی، فرهنگی و کالبدی نیز شکل می‌گیرد. در حوزه روان‌شناسی محیطی، هویت مکان به بخشی از فرایند شکل‌گیری «خود» مرتبط دانسته شده و محیط فیزیکی و مکان‌های مورد تجربه انسان می‌توانند در شکل‌گیری و تداوم هویت نقش داشته باشند (Proshansky et al., ۱۹۸۳). در رویکردهای دوران معاصر، هویت پدیده‌ای ایستا و کاملاً از پیش تعیین‌شده تلقی نمی‌شود، بلکه مفهومی پویا و در حال تحول است که در تعامل میان فرد، جامعه و محیط شکل می‌گیرد. از این منظر، تجربه‌های فردی، روابط اجتماعی، خاطرات و ویژگی‌های محیطی در شکل‌گیری ادراک انسان از خود و مکان مؤثرند. به همین دلیل، هویت مکان نیز در طول زمان و در نتیجه تجربه و تعامل انسان با محیط می‌تواند تقویت، تضعیف یا بازتعریف شود (Relph, ۱۹۷۶; Proshansky et al., ۱۹۸۳).

ارتباط میان هویت و محیط در مطالعات معماری و شهرسازی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا محیط ساخته‌شده صرفاً مجموعه‌ای از عناصر کالبدی و عملکردی نیست، بلکه می‌تواند حامل معنا، خاطره، تجربه و ویژگی‌های فرهنگی باشد. در این زمینه، جواد، بوداغ و مکانی، هویت محیط انسان‌ساخت را کیفیتی میان انسان و محیط معرفی می‌کنند و بر نقش مکان، فضا و کالبد در شکل‌گیری ارتباط انسان با محیط تأکید دارند. از نظر آنان، فقدان این کیفیت می‌تواند به کاهش خوانایی و معنای محیط منجر شود. در حوزه معماری، توجه به هویت تا حد زیادی در واکنش به مسئله یکنواختی و بی‌توجهی به ویژگی‌های زمینه‌ای در معماری مدرن و نیز ضرورت برقراری ارتباط میان معماری، مکان و فرهنگ مطرح شده است. در این رویکرد، معماری نمی‌تواند مستقل از بستر طبیعی، تاریخی و فرهنگی خود در نظر گرفته شود؛ بلکه کیفیت و معنای معماری تا حد زیادی به نحوه ارتباط آن با مکان و ویژگی‌های محیطی وابسته است. مفهوم «روح مکان» نیز در نظریه‌های معماری و پدیدارشناسی، بر اهمیت ویژگی‌های خاص هر مکان و نقش معماری در آشکار کردن و تقویت این ویژگی‌ها تأکید دارد (Norberg-Schulz, ۱۹۸۰). از سوی دیگر، مفهوم مکان و هویت مکان نشان می‌دهد که محیط ساخته‌شده می‌تواند در شکل‌گیری احساس تعلق و تشخیص افراد و جوامع نقش داشته باشد رلف با بررسی مفهوم «مکان» و «بی‌مکانی»، بر اهمیت تجربه انسانی، تمایز مکان‌ها و ارتباط انسان با مکان تأکید می‌کند و هویت مکان را از موضوعات اساسی در مطالعه محیط می‌داند (Relph, ۱۹۷۶). همچنین، لینچ در مطالعه ادراک شهر نشان می‌دهد که ویژگی‌های کالبدی محیط می‌توانند در شکل‌گیری تصویر ذهنی، خوانایی و تشخیص محیط برای ساکنان مؤثر باشند (Lynch, ۱۹۶۰).

بنابراین، معماری را نمی‌توان صرفاً ساختاری فیزیکی برای پاسخ‌گویی به نیازهای عملکردی دانست؛ بلکه معماری می‌تواند بازتابی از فرهنگ، ارزش‌ها، خاطرات، شیوه زندگی و ویژگی‌های محیطی جامعه باشد. استمرار برخی قواعد و ویژگی‌های معماری در طول زمان نیز می‌تواند به شکل‌گیری و تداوم هویت معماری کمک کند؛ به گونه‌ای که نوآوری در معماری الزاماً به معنای گسست از هویت نیست، بلکه می‌تواند از طریق بازتفسیر ویژگی‌های زمینه‌ای و فرهنگی در قالبی متناسب با نیازهای زمانه تحقق یابد. بر این اساس، هویت معماری حاصل تعامل میان انسان، فرهنگ، تاریخ، مکان و محیط ساخته‌شده است و در فرایندی مستمر شکل می‌گیرد و بازتعریف می‌شود. معماری هویت‌مند، ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای عملکردی، می‌تواند ویژگی‌های متمایزکننده مکان را آشکار کرده، زمینه ایجاد حس تعلق و ارتباط میان انسان و محیط را فراهم آورد. از این منظر، توجه به زمینه فرهنگی، تاریخی و محیطی در طراحی معماری می‌تواند یکی از عوامل اساسی در تقویت هویت مکان و جلوگیری از شکل‌گیری محیط‌های یکسان و فاقد تشخیص باشد (Proshansky et al., ۱۹۸۳).

۴-۲. مفهوم مکان

مکان مفهومی فراتر از یک محدوده فیزیکی و هندسی است. فضا زمانی به «مکان» تبدیل می‌شود که انسان در آن حضور یابد، با آن ارتباط برقرار کند و در نتیجه تجربه‌های فردی و جمعی، برای آن معنا، ارزش و هویت قائل شود. از این رو، مکان را نمی‌توان صرفاً بر اساس ویژگی‌های کالبدی و هندسی آن تعریف کرد؛ بلکه مکان حاصل تعامل پیچیده میان ویژگی‌های فیزیکی محیط، فعالیت‌های انسانی، ادراک، تجربه، خاطرات و معانی اجتماعی و فرهنگی است. در این فرایند، انسان تنها استفاده‌کننده از محیط نیست، بلکه از طریق حضور، فعالیت و تجربه روزمره خود در تولید معنا و هویت مکان نیز مشارکت می‌کند. از این منظر، ویژگی‌های فیزیکی محیط مانند فرم، مقیاس، تناسب، مصالح، رنگ، بافت، سازمان فضایی، نحوه استقرار عناصر، مسیرهای حرکتی، فضاهای باز و بسته و عناصر شاخص، زمینه اولیه تجربه مکان را فراهم می‌کنند. این ویژگی‌ها می‌توانند بر نحوه ادراک و استفاده انسان از محیط تأثیر بگذارند و زمینه شکل‌گیری تصاویر ذهنی و برداشت‌های متفاوت از مکان را ایجاد کنند. باین‌حال، کالبد به‌تنهایی قادر به ایجاد هویت مکان نیست؛ زیرا معنا و ارزش یک مکان در تعامل با انسان و در بستر تجربه‌های فردی و اجتماعی شکل می‌گیرد. به همین دلیل، حتی دو محیط با ویژگی‌های کالبدی مشابه می‌توانند برای گروه‌های مختلف، معنا و هویت متفاوتی داشته باشند. فعالیت‌های انسانی نیز یکی از مؤلفه‌های مهم در شکل‌گیری مکان محسوب می‌شوند. حضور افراد، نوع فعالیت‌های اجتماعی، شیوه استفاده از فضا، الگوهای رفت‌وآمد، تعاملات اجتماعی و حتی فعالیت‌های روزمره می‌توانند به یک فضای فیزیکی معنا و سرزندگی ببخشند. در واقع، تداوم فعالیت‌های انسانی در یک محیط موجب می‌شود فضا از حالت صرفاً کالبدی خارج شده و به بخشی از زندگی روزمره افراد تبدیل شود. در چنین شرایطی، مکان نه‌تنها به‌عنوان یک محیط برای انجام فعالیت‌ها، بلکه به‌عنوان بستری برای شکل‌گیری روابط اجتماعی و تجربه‌های مشترک شناخته می‌شود. خاطرات نیز در شکل‌گیری معنای مکان نقش مهمی دارند.

افراد معمولاً بخشی از تجربیات زندگی خود را با مکان‌های خاص پیوند می‌دهند و در نتیجه، مکان می‌تواند حامل خاطرات فردی و جمعی باشد. یک میدان، خانه، محله، خیابان یا فضای عمومی ممکن است برای افراد مختلف یادآور رویدادها، روابط، دوره‌های زندگی یا تجربیات خاصی باشد. این خاطرات به مرور زمان لایه‌ای معنایی بر ویژگی‌های کالبدی محیط می‌افزایند و موجب می‌شوند مکان برای افراد از ارزش عاطفی و هویتی برخوردار شود. بنابراین، هویت مکان تنها در وضعیت فعلی آن خلاصه نمی‌شود، بلکه گذشته و خاطرات مرتبط با آن نیز در شکل‌گیری هویت آن نقش دارند. از سوی دیگر، معانی اجتماعی و فرهنگی نیز در تبدیل فضا به مکان اهمیت دارند. یک مکان ممکن است در یک فرهنگ یا جامعه دارای ارزش و معنایی خاص باشد که در جامعه‌ای دیگر وجود نداشته باشد. نمادها، ارزش‌های فرهنگی، سنت‌ها، شیوه زندگی و باورهای جمعی می‌توانند در تفسیر و ادراک محیط تأثیرگذار باشند. بنابراین، مکان محصول رابطه‌ای دوسویه میان محیط و جامعه است؛ از یک سو، ویژگی‌های محیط بر رفتار و ادراک انسان تأثیر می‌گذارند و از سوی دیگر، انسان‌ها از طریق فعالیت، استفاده، خاطره و معنا بخشیدن به محیط، هویت آن را شکل می‌دهند. کاشی و بنیادی (۱۳۹۲) نیز در تبیین رابطه میان هویت مکان و حس مکان، ظاهر فیزیکی، فعالیت‌ها و معانی را از عناصر اساسی شکل‌دهنده هویت مکان می‌دانند. از دیدگاه آنان، حس مکان در هیچ‌یک از این عناصر به‌صورت مستقل و جداگانه وجود ندارد، بلکه از طریق ارتباط و تعامل متقابل انسان با این عوامل شکل می‌گیرد. بنابراین، نمی‌توان هویت یک مکان را تنها به ویژگی‌های کالبدی آن نسبت داد؛ بلکه باید نحوه استفاده انسان‌ها از محیط، تجربه‌های شکل‌گرفته در آن و معنایی را که افراد و گروه‌های اجتماعی به آن نسبت می‌دهند نیز مورد توجه قرار داد (کاشی و بنیادی، ۱۳۹۲). در نتیجه، می‌توان مکان را پدیده‌ای کالبدی، انسانی و معنایی دانست که در بستر زمان شکل می‌گیرد و دائماً تحت تأثیر تعامل انسان و محیط بازتولید می‌شود. هویت مکان نیز حاصل هم‌نشینی و تعامل میان این ابعاد است. هرچه ارتباط میان ویژگی‌های کالبدی، فعالیت‌های انسانی، تجربه‌های فردی و جمعی و ارزش‌های فرهنگی عمیق‌تر باشد، امکان شکل‌گیری حس تعلق و هویت مکان نیز افزایش می‌یابد. بر این اساس، طراحی معماری و شهری هویت‌مند نباید صرفاً بر ایجاد فرم‌های بصری متمایز تمرکز کند، بلکه لازم است شرایطی را فراهم آورد که انسان بتواند با محیط ارتباط برقرار کرده، در آن حضور یابد، فعالیت کند و برای آن خاطره و معنا ایجاد کند. به بیان دیگر، هویت مکان نه صرفاً در کالبد مکان، بلکه در رابطه میان انسان، محیط و معنایی که از این رابطه شکل می‌گیرد، پدیدار می‌شود.

۴-۳. هویت مکان

هویت مکان به مجموعه ویژگی‌هایی اطلاق می‌شود که یک مکان را از مکان‌های دیگر متمایز کرده و تصویری مشخص، قابل تشخیص و معنادار از آن در ذهن کاربران ایجاد می‌کند. هویت مکان حاصل تعامل میان ویژگی‌های کالبدی، فعالیت‌های انسانی، معانی فرهنگی و اجتماعی و تجربه و ادراک کاربران است؛ بنابراین، نمی‌توان هویت مکان را صرفاً به شکل و ظاهر بناها یا ویژگی‌های فیزیکی محیط محدود کرد. در این راستا، رلف ویژگی‌های ظاهری، فعالیت‌ها و معانی را از عناصر اساسی شکل‌دهنده هویت مکان می‌داند و بر ارتباط متقابل این عناصر در فرآیند شکل‌گیری هویت تأکید می‌کند (Relph, ۱۹۷۶).

همچنین، کانتر در نظریه مکان، سه مؤلفه «ویژگی‌های کالبدی»، «فعالیت‌ها» و «تصورات و ادراکات» را در شکل‌گیری مکان مؤثر می‌داند و معتقد است که مکان در نتیجه تعامل میان این سه حوزه شکل می‌گیرد (Canter, ۱۹۷۷). بر همین اساس، کاشی و بنیادی (۱۳۹۲) نیز در تبیین مفهوم هویت مکان، سه مؤلفه اصلی ظاهر فیزیکی، فعالیت و معنا را به‌عنوان مواد اولیه هویت مکان معرفی می‌کنند. بر اساس این دیدگاه، هویت مکان در طول زمان و از طریق فرآیندی تدریجی شکل می‌گیرد که مردم و نحوه حضور، استفاده و تجربه آنان از محیط در آن نقشی اساسی دارد. به عبارت دیگر، هویت مکان پدیده‌ای نیست که صرفاً از طریق طراحی و مداخلات کالبدی به مکان «اضافه» شود، بلکه در نتیجه تعامل مستمر انسان با کالبد، فعالیت‌ها و معانی محیط و در بستر زمان شکل می‌گیرد و بازتولید می‌شود. از این منظر، حتی یک فضای کالبدی با طراحی مناسب، در صورت فقدان فعالیت‌های اجتماعی معنادار و ارتباط ذهنی و عاطفی کاربران، الزاماً نمی‌تواند به مکانی برخوردار از هویت قوی تبدیل شود. پژوهش‌های مرتبط با نظریه مکان نیز نشان می‌دهند که ویژگی‌های فیزیکی محیط، فعالیت‌های هدفمند انسان و ارزیابی‌ها و برداشت‌های ذهنی افراد از این فعالیت‌ها، در ارتباطی متقابل، معنای مکان را شکل می‌دهند. بنابراین، هویت مکان را می‌توان مفهومی چندبعدی دانست که ابعاد کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، عملکردی و ادراکی را دربرمی‌گیرد. در بعد کالبدی، عناصری همچون فرم، مقیاس، تناسب، سازمان فضایی، مصالح، رنگ، بافت، خوانایی، نشانه‌های بصری و نحوه استقرار بناها و

فضاها اهمیت دارند؛ در بعد اجتماعی، فعالیت‌های جمعی، الگوهای رفتاری، روابط میان افراد، میزان حضورپذیری و نحوه استفاده گروه‌های مختلف از فضا در شکل‌گیری هویت نقش ایفا می‌کنند؛ و در بعد معنایی و فرهنگی نیز خاطرات جمعی و فردی، ارزش‌ها، باورها، رویدادهای تاریخی، نمادها و نشانه‌های فرهنگی به مکان معنا و تشخیص می‌بخشند. در واقع، رابطه انسان و مکان رابطه‌ای صرفاً فیزیکی نیست، بلکه تجربه زیسته، خاطرات و برداشت‌های ذهنی افراد نیز در آن دخالت دارد و سبب می‌شود یک فضای مشابه برای افراد مختلف معانی متفاوتی داشته باشد. از سوی دیگر، هویت مکان ماهیتی ایستا و ثابت ندارد و متناسب با تغییرات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی و همچنین تغییر الگوهای استفاده از فضا، در طول زمان دگرگون می‌شود. در نتیجه، حفظ هویت یک مکان به معنای جلوگیری کامل از تغییرات نیست، بلکه مستلزم تداوم ویژگی‌ها و معانی اساسی آن در کنار امکان انطباق با نیازهای جدید جامعه است. بر این اساس، می‌توان گفت هویت مکان زمانی شکل می‌گیرد که میان کالبد، فعالیت و معنا نوعی پیوستگی و هماهنگی ایجاد شود و کاربران بتوانند از طریق تجربه روزمره، تعامل اجتماعی، خاطره و ادراک خود، رابطه‌ای معنادار با محیط برقرار کنند. از این منظر، طراحی شهری و معماری زمانی می‌توانند در تقویت هویت مکان موفق باشند که علاوه بر توجه به کیفیت‌های بصری و کالبدی، زمینه حضور و تعامل اجتماعی، تداوم فعالیت‌های متناسب با مکان و شکل‌گیری معانی و خاطرات جمعی را نیز فراهم کنند؛ رویکردی که در مدل‌های متأخرتر حس مکان نیز با تأکید هم‌زمان بر فرم کالبدی، فعالیت و تصویر یا معنا مورد توجه قرار گرفته است (Montgomery, ۱۹۹۸).

جدول ۱. تعاریف و دیدگاه‌های صاحب‌نظران درباره هویت مکان/ هویت محیطی (منبع: نویسندگان)

شاخص قابل استخراج	مفهوم اصلی	نظریه پرداز
خاطره، تجربه، تعلق، شناخت	هویت مکان	پروشانسکی
کالبد، فعالیت، معنا	هویت مکان	رلف
فعالیت، کالبد، ادراک	مکان	کانتر
تمایز، خوانایی، قابلیت شناسایی	تشخص مکان	لینچ
شخصیت، معنا، زمینه، ویژگی‌های محیط	روح مکان	نوربرگ-شولتز
تمایز، تداوم، دلبستگی، آشنایی، تعلق	هویت شهری	لالی
تنوع، توالی، تضاد، منظر	کیفیت بصری	کالن
فرهنگ، رفتار، کالبد	تفاوت فرهنگی محیط	راپاپورت
الگو، ارتباط، فعالیت	الگوهای محیطی	الکساندر
کالبد، فعالیت، کاربر، معنا	کیفیت فضای شهری	کرمونا

۴-۴. حس مکان و تعلق مکانی

حس مکان یکی از مفاهیم مرتبط با هویت مکان است که به احساس و ادراک فرد نسبت به یک محیط اشاره دارد. این مفهوم می‌تواند شامل احساس آشنایی، امنیت، تعلق، رضایت و ارتباط عاطفی با مکان باشد. حس مکان در نتیجه تعامل میان انسان و محیط ایجاد می‌شود و با گذشت زمان و افزایش تجربه افراد از محیط می‌تواند تقویت شود. کاشی و بنیادی (۱۳۹۲) حس مکان را نتیجه ارتباط متقابل انسان با عوامل فیزیکی، فعالیت‌ها و معانی مکان می‌دانند و بر نقش زمان و تجربه مردم در شکل‌گیری هویت مکان تأکید دارند. بنابراین، هرچه فرد فرصت بیشتری برای حضور، فعالیت، تعامل اجتماعی و ایجاد خاطره در یک محیط داشته باشد، احتمال شکل‌گیری حس تعلق و ارتباط عاطفی با آن مکان افزایش می‌یابد. در مجتمع‌های مسکونی، این موضوع اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا ساکنان در طول زمان با فضاهای خصوصی، نیمه‌عمومی و عمومی محیط زندگی خود ارتباط برقرار کرده و از طریق فعالیت‌های روزمره و تعاملات اجتماعی، تجربه‌ای خاص از مکان به دست می‌آورند.

۴-۵. مؤلفه‌های شکل‌دهنده هویت مکان

با توجه به مباحث نظری، می‌توان مؤلفه‌های شکل‌دهنده هویت مکان را در سه دسته اصلی کالبدی، معنایی و اجتماعی - ادراکی طبقه‌بندی کرد. مؤلفه‌های کالبدی شامل فرم، مقیاس، تناسبات، مصالح، رنگ، بافت، سازمان فضایی، عناصر شاخص و نحوه ارتباط بناها با فضای پیرامون است. این عناصر می‌توانند موجب خوانایی، تشخیص‌پذیری و تمایز یک مکان شوند. مؤلفه‌های معنایی شامل نشانه‌ها، نمادها، خاطرات، ارزش‌های فرهنگی، عناصر تاریخی و معانی مشترک میان کاربران است. مؤلفه‌های

اجتماعی - ادراکی نیز شامل فعالیت‌های روزمره، تعاملات اجتماعی، تجربه زیسته، ادراک محیط و احساس تعلق کاربران می‌شود. این سه دسته در تعامل با یکدیگر هویت مکان را شکل می‌دهند و تقویت هر یک بدون توجه به سایر مؤلفه‌ها نمی‌تواند به‌تنهایی تضمین‌کننده هویت‌مندی محیط باشد (کاشی و بنیادی، ۱۳۹۲).

۴-۶. معماری پست مدرن و شناخت ویژگی‌های آن

معماری پست‌مدرن از دهه ۱۹۶۰ میلادی در واکنش به برخی اصول و محدودیت‌های معماری مدرن شکل گرفت. معماری مدرن با تأکید بر عملکرد، عقلانیت، سادگی، فناوری و اصول جهان‌شمول، در بسیاری از موارد به کاهش توجه به تفاوت‌های فرهنگی، تاریخی و زمینه‌ای منجر شد. در مقابل، معماری پست مدرن تلاش کرد با پذیرش کثرت و تنوع، ارتباط بیشتری با تاریخ، فرهنگ و زمینه برقرار کند. پست‌مدرنیسم را نمی‌توان یک مکتب فکری کاملاً یکپارچه با اصول ثابت دانست، بلکه مجموعه‌ای از نگرش‌ها و رویکردهای متنوع است که در نقد مدرنیسم شکل گرفته‌اند. فرهنگ معماری پست مدرن دربرگیرنده مؤلفه‌هایی همچون چندپارگی، خودارجاعی، تقلید، مونتاژ و اختلاط اشکال است. این ویژگی‌ها نشان‌دهنده فاصله گرفتن معماری پست مدرن از یک زبان معماری واحد و جهان‌شمول و حرکت به سوی تنوع و چندمعنایی است. پست‌مدرنیسم همچنین نوعی چرخش از سلطه روایت‌های کلان به سوی خرده‌روایت‌ها و روایت‌های متنوع محسوب می‌شود. از این منظر، معماری می‌تواند به جای پیروی از یک زبان جهانی، به ویژگی‌های خاص فرهنگی، تاریخی و اجتماعی هر مکان توجه کند. یکی از ویژگی‌های مهم معماری پست مدرن، تنوع و کثرت‌گرایی است. برخلاف معماری مدرن که به دنبال ایجاد نظم و زبان مشترک بود، معماری پست مدرن امکان استفاده هم‌زمان از عناصر و فرم‌های متفاوت را فراهم می‌کند. همچنین استفاده از نشانه‌ها و نمادها، ارجاعات تاریخی، ترکیب عناصر سنتی و معاصر و توجه به معنا از ویژگی‌های مهم این رویکرد است (بهادری‌فرد، ۱۴۰۳). ویژگی مهم دیگر، توجه به زمینه است. معماری پست مدرن تلاش می‌کند میان بنا و ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی محیط ارتباط برقرار کند. این ارتباط می‌تواند از طریق استفاده از عناصر بومی، نشانه‌های فرهنگی، مصالح، الگوهای فضایی و یا بازتفسیر عناصر تاریخی ایجاد شود. چنین رویکردی می‌تواند به افزایش تشخیص‌پذیری و تمایز مکان کمک کند.

۴-۷. زمینه‌گرایی و هویت مکان در معماری پست‌مدرن

زمینه‌گرایی یکی از مفاهیمی است که ارتباط نزدیکی با هویت مکان دارد. هر مکان دارای ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، کالبدی و اقلیمی خاص خود است و معماری در صورتی می‌تواند با محیط ارتباط مناسبی برقرار کند که این ویژگی‌ها را مورد توجه قرار دهد. در معماری پست‌مدرن، توجه به زمینه موجب می‌شود که طراحی از ایجاد فرم‌های کاملاً مشابه و قابل تکرار فاصله گرفته و به ویژگی‌های خاص هر مکان پاسخ دهد. این موضوع از نظر هویت مکانی اهمیت دارد؛ زیرا محیطی که با فرهنگ، تاریخ و الگوهای زندگی کاربران ارتباط برقرار کند، احتمال بیشتری برای ایجاد حس تعلق و خاطره‌انگیزی خواهد داشت (Rapoport, ۱۹۷۷; Relph, ۱۹۷۶).

۴-۸. ارتباط معماری پست‌مدرن و هویت مکان

با توجه به مباحث مطرح‌شده، می‌توان میان ویژگی‌های معماری پست مدرن و مؤلفه‌های هویت مکان ارتباط مستقیمی برقرار کرد. تنوع فرمی و سازمان فضایی می‌تواند به تمایز و خوانایی محیط کمک کند؛ استفاده از نشانه‌ها و نمادها می‌تواند به فضا معنا ببخشد؛ ارجاعات تاریخی و فرهنگی می‌توانند ارتباط میان مکان و خاطره جمعی را تقویت کنند؛ و توجه به زمینه می‌تواند موجب ایجاد هماهنگی میان معماری و ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی محیط شود. با این حال، تأثیر معماری پست مدرن بر هویت مکان به استفاده صرف از عناصر ظاهری محدود نمی‌شود. اگر نشانه‌ها، فرم‌ها و ارجاعات تاریخی بدون ارتباط با فرهنگ و تجربه کاربران مورد استفاده قرار گیرند، ممکن است صرفاً جنبه تزئینی داشته باشند و نتوانند هویت واقعی مکان را تقویت کنند. بنابراین، برای ایجاد هویت مکانی، لازم است میان کالبد، معنا، فعالیت و تجربه انسانی ارتباط برقرار شود (کاشی و بنیادی، ۱۳۹۲).

۴-۹. هویت مکان در مجتمع‌های مسکونی

مجتمع‌های مسکونی از مهم‌ترین محیط‌های زندگی روزمره انسان هستند و ساکنان بخش قابل توجهی از زمان خود را در آن‌ها سپری می‌کنند. به همین دلیل، کیفیت فضایی و اجتماعی این محیط‌ها می‌تواند بر شکل‌گیری حس تعلق و هویت مکانی تأثیرگذار باشد. در مجتمع‌های مسکونی، فضاهای خصوصی، نیمه‌خصوصی، نیمه‌عمومی و عمومی در کنار یکدیگر قرار گرفته و زمینه شکل‌گیری روابط اجتماعی و تجربه‌های روزمره را فراهم می‌کنند.

وجود فضاهای جمعی مناسب، خوانایی مسیرها، تنوع فضایی، امنیت، امکان تعامل اجتماعی و وجود عناصر شاخص می‌تواند در افزایش حس تعلق ساکنان مؤثر باشد. از سوی دیگر، یکنواختی، ضعف ارتباط میان فضاها و بی‌توجهی به نیازهای اجتماعی کاربران می‌تواند موجب کاهش ارتباط عاطفی با محیط شود. از این منظر، هویت مکان در مجتمع‌های مسکونی تنها به نمای ساختمان‌ها وابسته نیست، بلکه رابطه میان ساختمان‌ها، فضاهای باز، مسیرهای حرکتی، فضاهای جمعی و فعالیت‌های روزمره ساکنان نیز در شکل‌گیری آن نقش دارد (اسدی و همکاران، ۱۴۰۲).

۴-۱۰. شهرک اکباتان و هویت مکانی

شهرک اکباتان به‌عنوان یکی از مجموعه‌های شاخص مسکونی تهران، از نظر مقیاس، نحوه استقرار بلوک‌های ساختمانی، سازمان فضایی، فضاهای باز و جمعی و سابقه طولانی سکونت، ظرفیت مناسبی برای مطالعه هویت مکان دارد. تداوم سکونت و شکل‌گیری روابط اجتماعی در طول زمان می‌تواند زمینه ایجاد خاطرات فردی و جمعی و در نتیجه تقویت تعلق به مکان را فراهم کند. همچنین، ویژگی‌های کالبدی و سازمان فضایی شهرک اکباتان را می‌توان از منظر ارتباط میان ساختمان‌ها، فضاهای باز، مسیرهای حرکتی و فضاهای جمعی مورد بررسی قرار داد. در این زمینه، مطالعات انجام‌شده درباره کیفیت محیطی و ویژگی‌های سکونت اکباتان نیز بر اهمیت عواملی مانند تعلق مکانی، دسترسی، امنیت، حریم و سازمان فضایی در تجربه ساکنان تأکید داشته‌اند. از این‌رو، شهرک اکباتان می‌تواند به‌عنوان نمونه‌ای مناسب برای بررسی رابطه میان ویژگی‌های معماری، کیفیت فضایی، تجربه ساکنان و هویت مکان مورد استفاده قرار گیرد.

بر اساس مباحث نظری، هویت مکان پدیده‌ای چندبعدی و پویاست که در نتیجه تعامل میان کالبد، فعالیت، معنا و انسان شکل می‌گیرد. ویژگی‌های کالبدی محیط می‌تواند زمینه اولیه شکل‌گیری هویت را فراهم کنند، اما این ویژگی‌ها از طریق تجربه، ادراک، فعالیت و خاطرات کاربران به معنای واقعی مکان تبدیل می‌شوند (کاشی و بنیادی، ۱۳۹۲). سوی دیگر، معماری پست مدرن با تأکید بر تنوع، زمینه‌گرایی، نشانه‌ها، نمادها، ارجاعات تاریخی و فرهنگی و فاصله گرفتن از یکسان‌سازی معماری مدرن، ظرفیت مناسبی برای ایجاد فضاهای معنادار و متمایز فراهم می‌کند (بهادری‌فرد، ۱۴۰۳). بنابراین، می‌توان انتظار داشت که استفاده آگاهانه از مؤلفه‌های پست مدرن، در صورت هماهنگی با زمینه اجتماعی و فرهنگی و تجربه زیسته کاربران، بتواند به تقویت هویت مکان کمک کند. بر همین اساس، در پژوهش حاضر معماری پست مدرن به‌عنوان متغیر مستقل و هویت مکان به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شود. ویژگی‌هایی مانند تنوع فرمی، زمینه‌گرایی، نشانه‌ها و نمادها، ارجاعات تاریخی و فرهنگی و سازمان‌دهی فضایی، به‌عنوان مؤلفه‌های معماری پست مدرن، و عواملی همچون خوانایی، حس تعلق، خاطره‌انگیزی، معنا، تجربه و ادراک کاربران، به‌عنوان مؤلفه‌های هویت مکان، در مطالعه شهرک اکباتان مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۵. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاصل از بررسی ویژگی‌های معماری، سازمان فضایی و تجربه زیسته ساکنان شهرک اکباتان نشان می‌دهد که شکل‌گیری هویت مکان در این مجموعه مسکونی، نتیجه تعامل و هم‌افزایی میان عوامل کالبدی، فضایی، اجتماعی، معنایی و ادراکی است. نتایج نشان می‌دهد که شهرک اکباتان به دلیل برخورداری از ساختار فضایی منسجم، مقیاس نسبتاً گسترده، تنوع در سازمان‌دهی فضاها، وجود فضاهای باز و جمعی و شکل‌گیری روابط اجتماعی در طول زمان، ظرفیت قابل توجهی برای ایجاد و تداوم هویت مکانی دارد. در بررسی ویژگی‌های معماری شهرک اکباتان، مشخص شد که تنوع در فرم، حجم و نحوه استقرار ساختمان‌ها، ایجاد فضاهای باز و نیمه‌باز، استفاده از سلسله‌مراتب فضایی، توجه به ارتباط میان بنا و فضای پیرامون و شکل‌گیری فضاهای جمعی از مهم‌ترین ویژگی‌های کالبدی مجموعه هستند. این ویژگی‌ها موجب شده‌اند که محیط از یکنواختی صرف فاصله گرفته و دارای تنوع بصری و فضایی باشد. تنوع موجود در سازمان کالبدی، امکان ایجاد نقاط شاخص و فضاهای قابل تشخیص را فراهم کرده و در نتیجه به خوانایی محیط و تمایز آن از سایر مجتمع‌های مسکونی کمک کرده است. از سوی دیگر، یافته‌ها نشان داد که مفهوم هویت مکان در شهرک اکباتان را نمی‌توان صرفاً بر اساس ویژگی‌های ظاهری ساختمان‌ها تبیین کرد. رابطه میان بناها، فضاهای باز، مسیرهای حرکتی و عرصه‌های اجتماعی نقش مهمی در ایجاد ادراک یکپارچه از محیط دارد. پیوستگی فضایی و وجود سلسله‌مراتب میان فضاهای عمومی، نیمه‌عمومی و خصوصی، موجب شده است که ساکنان بتوانند محیط را در سطوح مختلف تجربه کنند. این سازمان فضایی، علاوه بر پاسخ‌گویی به نیازهای عملکردی، زمینه شکل‌گیری تعاملات اجتماعی و تجربه‌های مشترک را نیز فراهم کرده است.

یکی دیگر از یافته‌های مهم پژوهش، نقش فضاهای جمعی و عرصه‌های مشترک در تقویت هویت مکان است. فضاهایی که امکان مکث، گفت‌وگو، بازی، تعامل و حضور اجتماعی را فراهم می‌کنند، بیش از فضاهای صرفاً عبوری در ایجاد ارتباط عاطفی میان افراد و محیط مؤثر هستند. استمرار استفاده از این فضاها در طول زمان باعث شکل‌گیری خاطرات فردی و جمعی شده و به تدریج برخی از مکان‌های مجموعه را به عناصر معنادار در ذهن ساکنان تبدیل کرده است. بنابراین، ارزش یک فضای شهری یا معماری تنها به کیفیت کالبدی آن محدود نمی‌شود، بلکه میزان استفاده، نوع فعالیت و خاطرات شکل‌گرفته در آن نیز در تعیین ارزش هویتی آن اهمیت دارد. بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر هویت مکان نشان داد که خوانایی، تمایزپذیری، معنا، خاطره، حس تعلق، امنیت، تعامل اجتماعی و تداوم حضور از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت مکانی در مجتمع‌های مسکونی هستند. در این میان، خوانایی محیط نقش مهمی در شکل‌گیری تصویر ذهنی ساکنان دارد. وجود مسیرهای مشخص، فضاهای شاخص، نقاط تجمع و عناصر قابل شناسایی باعث می‌شود افراد بتوانند ساختار محیط را بهتر درک کرده و ارتباط ذهنی منسجم‌تری با آن برقرار کنند.

یافته‌ها همچنین بیانگر آن است که تمایزپذیری محیط یکی از عناصر اساسی در شکل‌گیری هویت شهرک اکباتان است. هنگامی که یک محیط دارای ویژگی‌هایی باشد که آن را از سایر مکان‌ها متمایز کند، امکان شکل‌گیری تصویر ذهنی مشخص‌تری از آن افزایش می‌یابد. در شهرک اکباتان، ترکیب فرم‌های معماری، مقیاس مجموعه، نحوه قرارگیری ساختمان‌ها، فضاهای باز و شبکه حرکتی، مجموعه‌ای از ویژگی‌های متمایزکننده را ایجاد کرده است که در طول زمان در ذهن ساکنان تثبیت شده‌اند. از منظر ادراکی، یافته‌ها نشان می‌دهد که تجربه روزمره ساکنان نقش مهمی در تبدیل یک فضای فیزیکی به «مکان» دارد. ساکنان از طریق حضور مستمر، استفاده از فضا، برقراری روابط اجتماعی و تجربه رویدادهای مختلف، به محیط معنا می‌بخشند. در نتیجه، هویت مکان فرآیندی ثابت و از پیش تعیین‌شده نیست، بلکه در طول زمان و از طریق تعامل مستمر انسان و محیط شکل گرفته و بازتعریف می‌شود. در این زمینه، خاطره جمعی نیز به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم هویت مکانی شناسایی شد. سکونت طولانی‌مدت افراد، تجربه مشترک از فضاها، رویدادهای اجتماعی و خاطرات مربوط به دوره‌های مختلف زندگی، موجب شده است که برخی از عناصر و فضاهای شهرک دارای ارزش عاطفی شوند. این ارزش عاطفی می‌تواند حتی در مواردی که یک عنصر از نظر کالبدی ساده است، به آن اهمیت هویتی بالایی ببخشد. بنابراین، هویت مکان در اکباتان بخشی از نتیجه انباشته‌شدن تجربه‌ها و خاطرات ساکنان در طول زمان است. نتایج پژوهش همچنین نشان می‌دهد که حس تعلق به مکان ارتباط مستقیمی با کیفیت تجربه محیطی دارد. هرچه ساکنان احساس کنند که محیط با نیازهای اجتماعی، فرهنگی و روزمره آنان هماهنگ است و امکان حضور، تعامل و فعالیت را برای آنان فراهم می‌کند، ارتباط عاطفی آنان با مکان افزایش می‌یابد.

حس تعلق در این حالت موجب می‌شود افراد مکان را صرفاً محل سکونت ندانند، بلکه آن را بخشی از هویت فردی و اجتماعی خود تلقی کنند. از نظر رابطه میان معماری پست‌مدرن و هویت مکان نیز یافته‌ها نشان می‌دهد که برخی اصول مطرح در معماری پست مدرن، مانند توجه به زمینه، پذیرش تنوع، استفاده از نشانه و معنا، توجه به تجربه انسان، پرهیز از یکنواختی و ایجاد ارتباط میان گذشته و حال، می‌توانند در تقویت هویت مکانی مؤثر باشند. با این حال، یافته‌ها تأکید می‌کنند که هویت مکانی صرفاً از طریق استفاده مستقیم از فرم یا عناصر ظاهری پست‌مدرن ایجاد نمی‌شود؛ بلکه مهم‌تر از آن، توجه به رابطه میان فرم معماری، بستر اجتماعی و فرهنگی و تجربه کاربران است. در شهرک اکباتان، ویژگی‌های کالبدی و فضایی در کنار حضور طولانی‌مدت ساکنان، موجب شکل‌گیری نوعی هویت چندلایه شده است. این هویت از یک سو به ویژگی‌های فیزیکی و ساختار فضایی مجموعه وابسته است

و از سوی دیگر، تحت تأثیر خاطرات، روابط اجتماعی، فعالیت‌های روزمره و برداشت ذهنی ساکنان قرار دارد. از این منظر، هویت شهرک حاصل تعامل میان «کالبد» و «زندگی اجتماعی» است و نمی‌توان یکی را بدون دیگری بررسی کرد. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که تنوع فضایی در کنار انسجام کلی مجموعه می‌تواند یکی از عوامل مؤثر در تقویت هویت مکان باشد. وجود تنوع در فضاها، امکان تجربه‌های متفاوت را فراهم می‌کند؛ در حالی که انسجام و پیوستگی کلی، به ایجاد تصویر ذهنی واحد از مجموعه کمک می‌کند. برقراری تعادل میان این دو عامل می‌تواند از یکنواختی و بی‌هویتی محیط جلوگیری کرده و در عین حال مانع ایجاد آشفته‌گی بصری و فضایی شود. از سوی دیگر، ارتباط میان فضاهای خصوصی، نیمه‌خصوصی و عمومی در شکل‌گیری روابط اجتماعی و هویت مکانی اهمیت دارد. این سلسله‌مراتب فضایی امکان می‌دهد ساکنان متناسب با نوع فعالیت و میزان تعامل مورد نیاز، از عرصه‌های مختلف استفاده کنند.

ویژگی‌های معماری و فضایی زمانی بیشترین تأثیر را بر هویت مکان دارند که بتوانند زمینه حضور، تعامل و تجربه معنادار کاربران را فراهم کنند. بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده، می‌توان گفت که تقویت هویت مکانی در مجتمع‌های مسکونی نیازمند رویکردی فراتر از طراحی صرفاً کالبدی است. در این راستا، حفظ عناصر شاخص و خاطره‌انگیز، ارتقای کیفیت فضاهای جمعی، تقویت خوانایی و تمایزپذیری محیط، ایجاد فضاهای مناسب برای تعاملات اجتماعی، توجه به نیازها و تجربه‌های کاربران، حفظ پیوستگی فضایی و تقویت ارتباط میان گذشته و حال می‌تواند در افزایش هویت مکانی مؤثر باشد.

در نهایت، پژوهش نشان می‌دهد که معماری پست مدرن از طریق توجه به زمینه، معنا، تنوع، نشانه‌ها، تجربه انسانی و ارتباط میان محیط و فرهنگ ظرفیت مناسبی برای پاسخ‌گویی به مسئله هویت مکان در مجتمع‌های مسکونی دارد. با این حال، تحقق این ظرفیت وابسته به آن است که عناصر معماری با شرایط اجتماعی و فرهنگی بستر هماهنگ شوند و امکان مشارکت و تجربه فعال کاربران را فراهم آورند. بنابراین، هویت مکان را باید پدیده‌ای پویا و در حال شکل‌گیری دانست که در طول زمان و از طریق تعامل متقابل میان فضا، انسان، فعالیت، خاطره و فرهنگ ساخته و بازتولید می‌شود.

۶. نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مطرح‌شده، می‌توان هویت مکان را حاصل یک رابطه چندلایه و مستمر میان محیط و انسان دانست؛ رابط‌ای که در آن ویژگی‌های فیزیکی فضا، شیوه استفاده از آن، مناسبات اجتماعی و برداشت‌های ذهنی افراد به‌صورت هم‌زمان بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. در واقع، یک مکان زمانی از هویت متمایز و قدرتمند برخوردار می‌شود که بتواند علاوه بر ایجاد تمایز ظاهری، در ذهن و تجربه کاربران نیز جایگاه مشخصی پیدا کند. بنابراین، هویت را نباید ویژگی‌ای از پیش تعیین‌شده و ثابت در نظر گرفت، بلکه باید آن را نتیجه فرآیندی تدریجی دانست که در طول زمان و در اثر حضور انسان، فعالیت‌های روزمره، شکل‌گیری روابط اجتماعی و انباشته شدن خاطرات و معانی در محیط پدیدار می‌شود. از این منظر، عناصر کالبدی را می‌توان بستر اولیه شکل‌گیری هویت دانست، اما این عناصر به‌تنهایی قادر به ایجاد یک مکان هویت‌مند نیستند. فرم بناها، نحوه سازمان‌یابی فضاهای مقیاس، تناسبات، مصالح، رنگ، بافت و عناصر شاخص زمانی در ایجاد هویت مؤثر خواهند بود که با الگوهای رفتاری و نیازهای کاربران ارتباط برقرار کنند. به بیان دیگر، کیفیت کالبدی زمانی به کیفیت هویتی تبدیل می‌شود که در زندگی روزمره افراد حضور داشته باشد و بتواند زمینه شکل‌گیری فعالیت، تعامل و تجربه را فراهم کند. از همین رو، فضاهایی که صرفاً بر اساس ویژگی‌های بصری و بدون توجه به زمینه اجتماعی و فرهنگی طراحی می‌شوند، ممکن است از نظر ظاهری جذاب باشند، اما لزوماً احساس تعلق و ارتباط عمیق با کاربران ایجاد نمی‌کنند. در کنار ویژگی‌های فیزیکی، فعالیت‌های انسانی نیز نقش مهمی در تثبیت و بازتولید هویت مکان دارند. حضور مردم، نوع فعالیت‌هایی که در یک فضا شکل می‌گیرد، میزان تعاملات اجتماعی و نحوه استفاده گروه‌های مختلف از محیط، به فضا معنا و سرزندگی می‌بخشد. یک فضای عمومی زمانی می‌تواند به بخشی از هویت یک شهر یا محله تبدیل شود که در زندگی روزمره مردم حضور داشته باشد و امکان شکل‌گیری تجربه‌های مشترک را فراهم آورد. استمرار این فعالیت‌ها در طول زمان، سبب ایجاد خاطرات فردی و جمعی شده و ارتباط عاطفی کاربران با محیط را تقویت می‌کند. در نتیجه، هویت مکان نه تنها از آنچه «دیده می‌شود»، بلکه از آنچه «در مکان اتفاق می‌افتد» نیز تأثیر می‌پذیرد. از سوی دیگر، بُعد معنایی هویت مکان موجب می‌شود یک فضای معمولی بتواند برای افراد دارای ارزش و اهمیت ویژه‌ای شود. خاطرات تاریخی، رویدادهای اجتماعی، نمادهای فرهنگی، روایت‌های محلی و تجربه‌های شخصی و جمعی، لایه‌هایی از معنا را در محیط ایجاد می‌کنند که از موارد در ویژگی‌های فیزیکی آن قابل مشاهده نیستند. همین معانی می‌توانند موجب شکل‌گیری حس تعلق، دلبستگی و وابستگی به مکان شوند. به همین دلیل، ممکن است یک مکان از نظر کالبدی تغییرات قابل توجهی را تجربه کند، اما تا زمانی که عناصر اصلی خاطره، معنا و ارتباط اجتماعی آن حفظ شود، بخش مهمی از هویت آن همچنان تداوم داشته باشد.

نکته مهم دیگر، ماهیت پویا و تحول‌پذیر هویت مکان است. مکان‌ها در طول زمان تحت تأثیر تغییرات جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فناوری قرار می‌گیرند و در نتیجه، هویت آن‌ها نیز همواره در حال بازتعریف است. بنابراین، حفاظت از هویت مکان به معنای جلوگیری از هرگونه تغییر و حفظ تمامی عناصر موجود به شکل گذشته نیست؛ بلکه هدف اصلی باید شناسایی و تداوم ارزش‌ها، ویژگی‌ها و معانی بنیادی مکان در کنار پاسخ‌گویی به نیازهای جدید باشد. در این رویکرد، تغییر می‌تواند نه به‌عنوان تهدیدی برای هویت، بلکه به‌عنوان فرصتی برای تکامل و بازآفرینی آن در نظر گرفته شود. بر این اساس، در فرآیند برنامه‌ریزی و طراحی شهری، ایجاد یا تقویت هویت مکان نیازمند رویکردی جامع است که میان ملاحظات کالبدی، عملکردی، اجتماعی و فرهنگی ارتباط برقرار کند. طراح و برنامه‌ریز شهری باید علاوه بر توجه به فرم و کیفیت بصری محیط، ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی، الگوهای رفتاری، نیازهای کاربران و خاطرات و معانی موجود در مکان را نیز مورد توجه قرار دهد.

مشارکت دادن کاربران در فرآیند شناخت و تصمیم‌گیری نیز می‌تواند به شناسایی ارزش‌هایی کمک کند که ممکن است در مطالعات صرفاً کالبدی نادیده گرفته شوند. در چنین شرایطی، طراحی به جای تحمیل یک هویت از پیش تعیین‌شده، زمینه لازم برای آشکار شدن و تقویت هویت موجود مکان را فراهم می‌کند.

در نهایت، می‌توان گفت هویت مکان زمانی به بالاترین میزان انسجام و پایداری خود می‌رسد که میان آنچه در محیط وجود دارد، آنچه در آن رخ می‌دهد و آنچه مردم از آن برداشت می‌کنند، هماهنگی برقرار باشد. به عبارت دیگر، مکان هویت‌مند مکانی است که ویژگی‌های مشخص و قابل تشخیص دارد، زندگی اجتماعی در آن جریان دارد و کاربران می‌توانند با آن ارتباط ذهنی و عاطفی برقرار کنند. چنین مکانی نه تنها از سایر فضاها متمایز است، بلکه در حافظه افراد نیز جایگاهی پایدار پیدا می‌کند. بنابراین، توجه به هویت مکان می‌تواند یکی از اصول اساسی در ارتقای کیفیت محیط‌های شهری، افزایش حس تعلق، تقویت سرمایه اجتماعی و ایجاد فضاهایی باشد که با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه هماهنگ بوده و در برابر تغییرات آینده نیز از ظرفیت سازگاری برخوردار باشند.

۷. منابع فارسی و انگلیسی

- اسدی، ع. و صالحی مرزبجانی، س. و سجاذاده، ح. و کلانتری خلیل‌آباد، ح. (۱۴۰۲). نقش کیفیت محیطی در تداوم سکونت و زندگی در مجتمع‌های زیستی شهر اراک، نشریه علمی مطالعات شهری، ۱۲ (۴۷)، ۱۹-۳۲.
- بهادری‌فرد، ه. (۱۴۰۳). تحلیل و ارزیابی سبک معماری پست‌مدرن در جهان و تأثیر آن بر روند معماری ایران، بیست و سومین کنفرانس ملی مهندسی عمران، معماری و شهرسازی.
- سجاذاده، ح. و اکبری‌نژاد، م. و اکبری، ف. (۱۳۹۴). بررسی چارچوب و اصول معماری پایدار در شهرک‌های مسکونی (نمونه موردی: شهرک اکباتان تهران)، همایش ملی عمران و معماری با رویکردی بر توسعه پایدار.
- عشریه، ع. و حاتمیان، س. (۱۳۹۹). مقایسه رویکردهای معماری مدرن و پست‌مدرن در باز تولید هویت مکانی، فصلنامه مطالعات معماری ایران، ۱۲ (۳)، ۷۱-۸۶.
- کاشی، ح. و بنیادی، ن. (۱۳۹۲). تبیین مدل هویت مکان-حس مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن: نمونه موردی پیاده‌راه شهرری، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۵۵ (۵۵)، ۴۳-۵۲.
- گل‌محمدی، ا. (۱۳۸۱). هویت ایرانی: رویکردی نظری و تاریخی، تهران: نشر نی

- Alexander, C., Ishikawa, S., & Silverstein, M. (۱۹۷۷). A Pattern Language: Towns, Buildings, Construction. New York: Oxford University Press.
- Canter, D. V. (۱۹۷۷). The Psychology of Place. London: Architectural Press.
- Cullen, G. (۱۹۶۱). The Concise Townscape. London: Architectural Press.
- Jencks, C. (۱۹۷۷). The Language of Post-Modern Architecture. New York: Rizzoli.
- Lalli, M. (۱۹۹۲). Urban-related identity: Theory, measurement, and empirical findings. Journal of Environmental Psychology, ۱۲(۴), ۲۸۵-۳۰۳. [https://doi.org/10.1016/S0272-4944\(05\)80078-7](https://doi.org/10.1016/S0272-4944(05)80078-7)
- Lynch, K. (۱۹۸۱). A Theory of Good City Form. Cambridge, MA: MIT Press.
- Norberg-Schulz, C. (۱۹۸۰). Genius Loci: Towards a Phenomenology of Architecture. New York: Rizzoli.
- Proshansky, H. M., Fabian, A. K., & Kaminoff, R. (۱۹۸۳). Place-identity: Physical world socialization of the self. Journal of Environmental Psychology, ۳(۱), ۵۷-۸۳.
- Rapoport, A. (۱۹۷۷). Human Aspects of Urban Form: Towards a Man-Environment Approach to Urban Form and Design. Oxford: Pergamon Press.
- Relph, E. C. (۱۹۷۶). Place and Placelessness. London: Pion.
- Simon, M. (۲۰۰۷). Modernity and context: Hungarian architecture at the beginning of the Kádár-era. Periodica Polytechnica Architecture, ۳۸(۱), ۲۵-۳۲. <https://doi.org/10.3311/pp.ar.2007-1,05>
- Venturi, R. (۱۹۶۶). Complexity and Contradiction in Architecture. New York: The Museum of Modern Art

A Study of Postmodern Architecture and Place Identity in Residential Complexes: The Case Study of Ekbatan Town

AhmadReza Chegini¹

Abstract

This study examines the role of postmodern architectural approaches in the formation and enhancement of place identity. From this perspective, place is not merely a physical structure, but rather the outcome of interactions among space, people, culture, history, and the social context. Using a comparative analysis of selected case studies, the research investigates the physical, semantic, and perceptual components that contribute to the formation of place identity. The findings indicate that attention to cultural and historical context, the use of signs and symbols, formal diversity, and the creation of connections with users' lived experiences can enhance the sense of belonging, legibility, and meaningfulness of space. In contrast to modern architecture, which places greater emphasis on functionality, rationality, and universal principles, postmodern architecture embraces cultural diversity and responds to the specific characteristics of context, thereby providing greater potential for the formation of a dynamic identity compatible with social conditions. Furthermore, users' participation and lived experiences in the use and perception of space play an important role in the continuity and reinterpretation of place identity. In this regard, architecture can create memorable and meaningful spaces by establishing connections between the past and the present and incorporating cultural and historical elements. Ultimately, the findings demonstrate that the postmodern approach, through its emphasis on the reciprocal relationship between people and the environment, has considerable potential to strengthen the sense of belonging and place identity while simultaneously responding to the functional, social, and semantic needs of contemporary environments.

Keywords: Postmodern Architecture, Place Identity, Residential Complex, Ekbatan Town

¹ Master's Student of Architecture, Department of Civil Engineering and Architecture, Faculty of Engineering, Raja University, Qazvin, Iran